



The social problem of spousal abuse and modeling the solution of family resilience

Zainab Rahimi¹ | Farnaz Keshavarzi Arshadi² | Roya Koochak Entezar³ | Fariba Hassani⁴

1. Department of Psychology, Central Tehran Branch, Tehran Islamic Azad University, Tehran. Iran.

Email: z.rahimi597@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Tehran Islamic Azad University, Tehran. Iran.. Email: far.keshavarzi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Tehran Islamic Azad University, Tehran. Iran.

Email: royakentezar@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Tehran Islamic Azad University, Tehran. Iran.

Email: hassani.fariba@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

23 February , 2023

Received in revised form: 11 March 2023

Accepted: 18 March 2023

Published online: 10 June 2023

Keywords:

Social problem, family resilience, personal authority in the family system, dysfunctional communication beliefs, spousal abuse

ABSTRACT

Spouse abuse is an important social issue and the most common form of violence in the family, therefore, finding a solution that improves the resilience of the family system in violent situations by preventing the creation and increase of this crisis leads to continuity of the family and survival of society and ulturalcohesion social. Therefore, the aim of this study was to model family resilience as a solution to the social problem of spousal abuse, based on the investigation of two factors underlying personal authority in the family system and ineffective communication beliefs. This was a descriptive-correlational study based on structural equation modeling in which 250 female victims of spousal abuse visiting the social assistance departments of tehran city police stations in 1400 were selected using a targeted method. For data collection, Sixby's family resilience questionnaire(2005), personal authority in the family system of Williamson, Malone, and Barry(1984) and Idelson-Wabstein's communication beliefs(1981) were used. Hypothetical model was analyzed using structural equation modeling method and spss18 and Amos23 software. The findings showed that there is a direct and significant relationship between the components of personal authority($\beta=0.276$, $p=0.001$) and ineffective communication beliefs ($\beta=-0.255$, $p=0.000$) with family resilience. The improvement indices supported the research model with the collected data. The structural model also has a good fit and showed significant fit indices. It is concluded that strengthening the personal authority and recognizing the ineffective communication beliefs, due to the increase in the level of awareness and empowerment of women who are victims of spousal abuse, increases the resilience of the family and the degree of prevention of this social harm and adaptation of family system to crises and ultimately increases social welfare will be effective.

Cite this article: Rahimi, Z.; Keshavarzi Arshadi, F.; Koochak Entezar, R & Hassani, F. (2023). The Social Problem of Spousal abuse and *Journal of Social Problems of Iran*, 13 (2),173-189.

<https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92831>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

. DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92831>



مسئله اجتماعی همسر آزاری و مدلیابی راهکار تاب آوری خانواده

زینب رحیمی^۱ | فرناز کشاورزی ارشدی^۲ | رؤیا کوچک انتظار^۳ | فریبا حسنی^۴۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: z.rahimi597@gmail.com۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه روانشناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: far.keshavarzi@gmail.com۳. استادیار، گروه روانشناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: royakentezar@yahoo.com۴. استادیار، گروه روانشناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. رایانامه: hassani.fariba@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

کلیدواژه‌ها:

مسئله اجتماعی، تاب آوری خانواده،

اقتدار شخصی در نظام خانواده،

باورهای ارتباطی ناکارآمد،

همسر آزاری.

همسر آزاری یک مسئله مهم اجتماعی و شایع‌ترین شکل خشونت در خانواده می‌باشد؛ لذا یافتن راهکاری که تاب آوری نظام خانواده را در شرایط خشونت‌آمیز ارتقا دهد، با پیشگیری از ایجاد و افزایش این بحران، موجب تداوم خانواده، بقای جامعه و انسجام فرهنگی- اجتماعی می‌شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، مدلیابی تاب آوری خانواده به عنوان راهکاری در حل مسئله اجتماعی همسر آزاری، براساس بررسی دو عامل زمینه‌ساز اقتدار شخصی در نظام خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد بود. این مطالعه، توصیفی- همبستگی با تکیه بر مدلیابی معادلات ساختاری بود که در آن تعداد ۳۵۰ نفر از زنان قربانی همسر آزاری مراجعه‌کننده به دواپرم‌دکاری اجتماعی کلاترهای شهر تهران در سال ۱۴۰۰ با روش هدفمند، انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تاب آوری خانواده سیکسبی (۲۰۰۵)، اقتدار شخصی در سیستم خانواده ویلیامسون، مالون و بری (۱۹۸۴) و باورهای ارتباطی ایدلسون و اپستین (۱۹۸۱) استفاده شد. مدل فرضی با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای spss18 و Amos23 تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین مولفه‌های اقتدار شخصی ($\beta = 0.376, p = 0.001$) و باورهای ارتباطی ناکارآمد ($\beta = -0.255, p = 0.000$) با تاب آوری خانواده رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. شاخص‌های نکویی از الگوی پژوهش با داده‌های گردآوری شده حمایت کردند. مدل ساختاری نیز از برازش مطلوب برخوردار و شاخص‌های برازش معناداری را نشان دادند. نتیجه گرفته می‌شود، تقویت اقتدار شخصی و شناخت باورهای ارتباطی ناکارآمد، بدلیل افزایش سطح آگاهی و توانمندسازی زنان قربانی همسر آزاری، تاب آوری خانواده را بالا برده و با پیشگیری از این آسیب اجتماعی و سازگاری سیستم خانواده در بحرانها، نهایتاً در افزایش رفاه اجتماعی موثر خواهد بود.

استناد: زینب، رحیمی؛ کشاورزی ارشدی، فرناز؛ کوچک انتظار، رؤیا و حسنی، فریبا. (۱۴۰۱). مسئله اجتماعی همسر آزاری و مدلیابی راهکار تاب آور خانواده؛ بررسی

<https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92831> مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۱۷۳-۱۸۹.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92831>

۱. مقدمه و بیان مساله

با وجود تغییر در ساختارهای فرهنگی و عملکردهای خانواده، همواره یکی از ارکان اصلی هر جامعه‌ای خانواده است. اهمیت خانواده از آنجاست که نه تنها محیط امنی برای افراد به شمار می‌آید، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت نسلهای آتی را نیز بر عهده دارد (بنانی، ۱۳۹۶: ۲۲). رشد و سلامت هر جامعه وابسته به بالندگی و سلامت خانواده‌های آن بوده و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). در این میان اعمال خشونت در خانه به عنوان آسیبی شایع، روابط سالم خانوادگی را که برای تحکیم و بقای این واحد اجتماعی ضروری است، متزلزل کرده و به شکل یک فرهنگ ناپه‌نجا در جامعه نهادینه می‌نماید (بهرامی و علیپور، ۱۳۹۸: ۱۳۲). خشونت‌خانگی علیه زنان از شایع‌ترین اشکال خشونت خانگی و خطر قابل‌توجهی را برای سلامتی زنان، خانواده و جامعه به همراه دارد (رئیس و بوستانی، ۱۴۰۰: ۴۷). بر پایه برخی گزارشات، از هر ۳ زن، یک نفر در معرض خشونت است و تقریباً یک سوم زنان جهان دست‌کم یک‌بار خشونت را تجربه کرده‌اند (براون، لاو، گیس، اسمیت و ماندل، ۲۰۲۳: ۱۰۰۹). جامعه ایران نیز در سالهای اخیر شاهد افزایش آمار همسرآزاری بوده است. برابر نتایج بدست‌آمده در معاونت - اجتماعی فراجا، حاصل از آمارهای مراجعین به کلانتریهای سراسر کشور در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نیز بدرفتاری جسمی و عاطفی همسر رتبه اول را در مشکلات مطرح‌شده از سوی مراجعین به خود اختصاص داده است (اطلس آسیب‌های روانی - اجتماعی، ۱۴۰۰). بنابراین نظر به شیوع و فراوانی همسرآزاری و عوارض انکارناپذیر آن بر قشری که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اهمیت و ضرورت این پژوهش را در جامعه زنان بیشتر به نمایش می‌گذارد.

اما آثار خشونت، فقط به فرد قربانی محدود نشده و با تأثیر بر افراد دیگر جامعه، نهادها و سازمانها، به طور کل بر جامعه تأثیر می‌گذارد (نوابی نژاد، ۱۳۹۴). بنابراین از آنجاکه خشونت خانگی پدیده‌ای برون فردی می‌باشد موضوع همسرآزاری نیز یک مسئله اجتماعی محسوب میشود (موسوی، ملکی و طاهریان، ۱۳۹۸). از سوی دیگر افرادی که در کودکی، خشونت خانگی را تجربه کرده یا شاهد آن هستند، به احتمال زیادی در بزرگسالی نیز آن را بکار خواهند گرفت، بدین دلیل که آنها توانایی تولید پرخاشگری و یا مورد سوء استفاده قراگرفتن در خانواده را دارند (دنيس و کیمبرلی^۱، ۲۰۰۲: ۲۲۴). نتایج تحقیق دانش، شربتیان و طوافی (۱۳۹۶: ۷۰) نشان می‌دهد بین تجربه و مشاهده خشونت در خانواده مبدا با بکارگیری انواع خشونت در زندگی آتی افراد رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. کیم، سهان و نام^۲ (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با عنوان وقوع خشونت خانوادگی و اثرات آن بر روی سلامت روانی و اجتماعی زنان در کره جنوبی رابطه معناداری بین مشاهده و تجربه خشونت در خانواده پدری با خشونت علیه زنان در خانه اصلی به دست آوردند. بنابراین دائمی بودن عضویت در خانواده یکی از وجوه تمایز آن با دیگر نظام‌های اجتماعی است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۳، ۲۰۱۲) و تعادل در این ساختار زمانی ایجاد می‌شود که افراد در سیستم خانواده نه به یک خود متمایز، بلکه به موقعیتی متمایز در چارچوب روابط صمیمی با خانواده اصلی دست یابند (نستور^۴، ۲۰۱۷: ۳۱). در این شرایط مولفه اقتدار شخصی در سیستم خانواده^۵ مطرح می‌شود که ترکیبی از تمایز یافتگی و صمیمیت است. سایر ساختارهای سیستمی (مانند مثلث‌سازی بین‌نسلی، همجوشی، تهدید بین‌نسلی و فردیت) نیز برای به دست آوردن توانایی‌های خاصی که پایه‌ای برای اقتدار شخصی فراهم می‌کنند، ضروری‌اند (آلپرن و هاتیپولوğlu^۶، ۲۰۱۶: ۱۴۹) که با بررسی مطالعات، خلاء پژوهشی در حوزه این مولفه کاملاً مشهود است.

1 Denise & Kimberly

2 Kim, Sehun, & Nam

3 Goldenberg & Goldenberg

4 Nistor

5 personal Authority in the Family System (PAFS)

6 Alpern & Hatipoglu

امروزه دیگر حتی تاب‌آوری نیز صرفاً یک سازهٔ درون‌روانی نبوده و بین‌فردی محسوب می‌شود، لذا از تاب‌آوری خانواده و نیز جامعه بحث می‌شود (مویزی، شفیع آبادی، اسمعیلی و یونسی، ۲۰۲۱: ۱۰۴۲). عوامل محافظت‌کننده از خانواده در برابر پیامدهای منفی خشونت، می‌تواند به مقابله بهتر با شرایط آسیب‌زا و کاهش بدرفتاری در روابط موثر باشد (گودمن، ۲۰۰۵: ۱۴۶). لذا تاب‌آوری خانواده سعی می‌کند عواملی را در نظام خانواده بیابد که به پیامدهای تاب‌آورانه این واحد اجتماعی در رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها، منجر شوند (بوچانان^۱، ۲۰۰۸)، از آنجائیکه پژوهش‌های اندکی در زمینه تاب‌آوری خانواده بالاخص در خانواده‌های دچار آسیب همسرآزاری صورت گرفته‌است، بدلیل وجود شکاف پژوهشی در این حوزه و اهمیت آن بر کاهش همسرآزاری، نیاز به بررسی بیشتر عوامل موثر بر افزایش تاب‌آوری این دست از خانواده‌ها ضروری است.

باتوجه به اینکه در تاب‌آوری خانواده هم توان‌فردی و هم توان ارتباطی با تلاش مشترک برای مقابله با بحران‌های بلندمدت یاناگهانی، بسیج می‌شوند (والش، ۲۰۰۶: ۷) لذا نگرش کارآمد همراه با خوش‌بینی و امیدواری در زندگی، می‌تواند با دور کردن افکار منفی، راه را برای زندگی سالم و سازنده هموارسازد (بشرپور، عطادخت، غفاری و مولایی، ۱۳۹۵: ۳۵)، درمقابل آن باورهای ناکارآمد، با تحت تاثیر قراردادن ادراک و افراد در جهت منفی، فضای جمعی را مستعد آشفتگی می‌کند (زارع و شریفی ساکی، ۱۳۹۵: ۳۶). باورهای ارتباطی ناکارآمد، افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت در رابطه با انسانها و به طورکل جهان است. این باورها می‌تواند توانایی افراد را برای برخورد با چالش‌های ارتباطی محدودکنند و به تعارضات ارتباطی منجرشود (ایدلسون و اپستین، ۱۹۸۲). بر این اساس، کشف باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد می‌تواند با تأثیر مثبت بر رفاه و عملکرد روزانه افراد ضروری باشد (میشل-کرولر و ترنر، ۲۰۲۲: ۱۵). نظر به اینکه پژوهش‌های متعددی بر لزوم انجام مداخلات پیشگیرانه در حوزه همسرآزاری تأکید کرده‌اند (کلوزون، ولز، اسپنلیدر و باتیلیر^۲، ۲۰۱۷: ۱۹۰)، یافتن راهکار و عواملی که اثرات همسرآزاری را از بین برده و از سلامت زنان محافظت کند بسیار محدود است (قهاری و خادم الرضا، ۱۳۹۷: ۴۶۰). از سوی دیگر به نظر می‌رسد که برای محققان خانواده، تدوین مدلی برای تاب‌آوری خانواده به دلیل تاکید بر بهترشدن و سازگاری بیشتر اعضا با مسائل و مشکلات، یک فاکتور حمایتی بسیارمهم است و توجه به عوامل ایجاد و حفظ تاب‌آوری خانواده، از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخورداراست (کریمی‌نژاد، صادقی و غلامرضایی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). لذا با توجه به موارد فوق واهمیت بررسی دو عامل اقتدارشخصی در نظام خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد که از عوامل مهم، جدید و مرتبط با نظام خانواده و موثر بر تاب‌آوری خانواده می‌باشد، هدف این پژوهش، تدوین مدلی برای تاب‌آوری خانواده بر اساس این دو عامل اساسی در جامعه زنان قربانی همسرآزاری به عنوان راهکاری در جهت کاهش این معضل اجتماعی بود.

۲. سوالات پژوهش

- ۱- آیا تاب‌آوری خانواده، متأثر از مولفه‌های اقتدارشخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد در زنان قربانی همسرآزاری است؟
- ۲- آیا مدل از برازش مناسبی برخوردار می‌باشد؟

1 Buchanan

2 Claussen, Wells, Aspenlieder & Boutilier

۳. پیشینه پژوهشی

پژوهشهایی در ایران و جهان در خصوص مدلیابی تاب‌آوری خانواده و ارتباط مولفه‌های اقتدارشخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد با تاب‌آوری خانواده انجام شده است. دراین راستا، زارعان، فرحبخش و معتمدی (۱۴۰۰)، در تدوین و اعتباریابی الگوی تاب‌آوری خانواده مبتنی بر تجربیات زیسته خانواده‌ها، مولفه نظام باورها را به عنوان عامل علی‌الگو و راهبردهای ارتباطی و انطباقی را به عنوان راهبردهای اصلی الگو شناسایی کردند. موزیری و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده ایرانی پرداخته و نشان دادند که نظام باورها، منابع بیرونی، و ساختار خانواده به صورت مستقیم و ویژگی‌های شخصیتی و مهارتها به صورت غیرمستقیم بر تاب‌آوری خانواده مؤثر بودند. ساختار خانواده متضمن مفاهیمی نظیر صمیمیت، همکاری، و توافق است که تاب‌آوری خانواده را در بحران‌ها افزایش می‌دهد. اصغری و قاسمی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان نقش تاب‌آوری روان‌شناختی در ارتباط بین تاب‌آوری خانواده و نگرش به موادمخدر در دختران و پسران به بررسی نقش میانجی تاب‌آوری روان‌شناختی پرداخته و دریافتند، تاب‌آوری خانواده، قابلیت انتقال به اعضای خانواده را دارد.

جعفرزاده، سلیمانیان و محمدی‌پور (۱۳۹۹)، نشان دادند دو متغیر تمایزیافتگی، عملکرد خانواده و ناگویی هیجانی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سطح خشونت خانگی است و نشان از اهمیت نقش هیجانات و باورها و ارزیابیهای شناختی فرد از موقعیت دارد. حسینی بیرجندی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود اثبات کرد که نگرش سیستمی در مورد خانواده بیان میکند که تغییر در هر بخش از سامانه خانواده، کل سامانه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و ارتباط درونی سامانه خانواده طوری به هم گره خورده است که تغییر در هر عضو باعث تغییر غیر قابل اجتناب در تمام آن می‌شود. در این راستا، کاکس، کرام، ریچموند و نوریس (۲۰۲۲)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاب‌آوری خانواده در کارکنان امنیت عمومی، نشان دادند آسیب‌پذیری خانواده‌ها متغیر است و معناسازی، همکاری، احساس انسجام و ارتباط به عنوان موضوعات مرتبط با فرآیندهای درون خانواده شناسایی شدند و شناخت نقش خانواده‌ها و نیاز به اطلاعات و آموزش برای افزایش تاب‌آوری خانواده ضروری است. نیستور و همکاران (۲۰۱۷)، نشان دادند که سطوح بالاتر در صمیمیت و همجوشی همسر/همجوشی بین نسلی و قدرت شخصی به طور قابل توجهی اضطراب کمتری را پیش‌بینی می‌کنند در حالی که سطوح بالاتر صمیمیت همسر و مثلث‌سازی کمتر با همسر و فرزندان به طور معنی‌داری اجتناب کمتری را پیش‌بینی می‌کند. مصطفی آلپرن و همکاران (۲۰۱۶)، نیز در پژوهشی با عنوان نقش اقتدارشخصی، صمیمیت بین نسلی و مثلث‌سازی خانوادگی در جوانان به این نتیجه رسیدند جوانانی که از سطح اقتدارشخصی بالاتر و میزان صمیمت کمتری با والدین برخوردارند، کمتر درگیر رفتارهای پرخطرند. برتونی و بودنمن^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان تأثیر باورهای ارتباطی مثبت و منفی بر کیفیت زندگی زناشویی به این نتیجه رسیدند که نگرش‌ها و باورهای ارتباطی منطقی و منفی در مقایسه با رفتارها و گرایش‌های مثبت بر کیفیت زناشویی تأثیر زیادی دارد و به موازات آن احتمال رفتارهای منفی دو جانبه را افزایش می‌دهد. برابر بررسی در مطالعات فوق می‌بینیم که به استثنای چند پژوهش در خارج از کشور، متأسفانه مولفه اقتدارشخصی در نظام خانواده که عامل مهم و اساسی در نظریه سیستمی جدید می‌باشد، از دید پژوهشگران داخل کشور مغفول مانده است. علاوه براین مطالعه ای که رابطه تاب‌آوری خانواده با باورهای ارتباطی ناکارآمد و اقتدارشخصی را به طور همزمان سنجیده باشد، وجود نداشته و همچنین جای مدلی که با نگاه سیستمی، تاب‌آوری نظام خانواده را تدوین کرده باشد، در پژوهشهای مدلیابی خالیست. لذا این مطالعه در پاسخ به این خلاءها و شکاف موجود پژوهشی به تدوین مدلی برای تاب‌آوری خانواده در جامعه زنان قربانی همسرآزاری با رویکرد سیستمی پرداخت.

۳. ملاحظات نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

همسرآزاری: همسرآزاری به هر گونه عمل خشونت‌آمیز شوهر علیه زن که منجر به صدمات روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و مالی در او می‌شود یا به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت او تاثیر داشته باشد، اطلاق می‌شود. همچنین این‌گونه رفتار می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق آزادی و اختیار همسر و در حضور جمع یا در پنهانی صورت گیرد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰).

مسئله اجتماعی: مسئله اجتماعی پدیده‌ای بیرون از فرد بوده و برای ارائه راه‌حل باید اصلاحات سیستمی صورت گیرد و فقط با اصلاح در سطح فرد مسئله حل نخواهد شد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸).

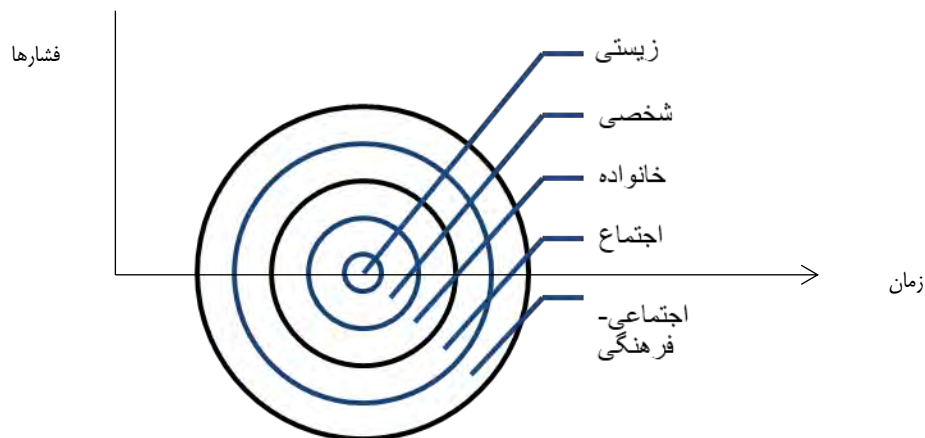
تاب‌آوری خانواده: تاب‌آوری خانواده به ظرفیت خانواده به عنوان یک سیستم کارکردی در غلبه بر چالش‌های مهم زندگی، رویدادهای بسیار استرس‌زا و زمینه‌های اجتماعی که بر کل خانواده تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد (والش، ۲۰۲۱).

اقتدار شخصی در نظام خانواده: به مجموعه‌ای از توانایی‌ها شامل: توانایی متمایز شدن تدریجی از زمینه رابطه با خانواده اصلی، حفظ ارتباط صمیمی با والدین و افراد مهم زندگی ضمن حفظ فردیت، توانایی کنترل احساسات، افکار، توانایی بر عهده‌گرفتن مسئولیت، تصمیمات و اعمال و انتخابها، توانایی تشخیص، کنترل یا هدایت عقیده، باور یا احساس خود بدون تعصب و تحت فشارهای اجتماعی و انتظارات دیگران از جمله اعضای خانواده، اطلاق می‌شود (بری، ۲۰۰۴).

باورهای ارتباطی ناکارآمد: باورهایی هستند که بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید دارند و مانع سلامت فکر و سالم سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شوند (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۹۷).

۳-۲. چارچوب نظری

رویکرد تاب‌آوری خانواده: خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، در عصرجدید دچار تغییرات گسترده‌ای شده‌است. تحولات گوناگون اجتماعی، صنعتی و علمی، مشکلات بسیاری برای خانواده‌ها در اکثر جوامع، بالخصوص ایران، بوجود آورده است. کنارآمدن با فشارهای زندگی، همواره، بخشی از واقعیت‌های زندگی انسان بوده و در دوره‌های گوناگون زندگی به اشکال مختلفی نمایان می‌شود (برمودز و مانسینی^۱، ۲۰۱۲). تاب‌آوری خانواده بر عملکرد سازگار خانواده در موقعیت‌های سخت تمرکز می‌کند. عملکرد مؤثر و سازگاری مثبت به نوع، شدت و مزمن بودن چالش‌های نامطلوب و منابع، محدودیت‌ها و اهداف خانواده در بافت اجتماعی و مسیر زندگی بستگی دارد. اینکه خانواده‌ها چگونه تغییرات را ایجاد می‌کنند، به مهارت‌ها و منابع در دسترس آنها برای غلبه بر بحران بستگی دارد که سطوح مختلفی از تاب‌آوری را به وجود می‌آورد (والش، ۲۰۱۶). در تمام نظریات مطرح شده دراین خصوص سه اصل اساسی وجود دارد: وجود چالش، بحران، یا سختی عمده و بالقوه که عملکرد خانواده را به هم می‌زند؛ توانایی خانواده برای استفاده از منابع درونی و بیرونی؛ و فرآیند پویای درگیر شدن با چالش‌ها و سازگاری (گازمن، ۲۰۱۱). تحقیقات معاصر نیز تأیید می‌کنند که تاب‌آوری خانواده (۱) در زمینه‌های خطر رخ می‌دهد، (۲) توسط عوامل محافظتی تسهیل می‌شود و (۳) پیامدهای خوبی را به همراه دارد (ون بردا، ۲۰۱۸). لذا فرایندهای تاب‌آوری خانواده در نهایت توسط والش به صورت شکل (۱) ترسیم شد.



شکل (۱): فرایند تاب‌آوری در خانواده. منبع: (والش، ۲۰۱۶)

در مجموع، یک چارچوب تاب‌آوری خانواده می‌تواند با (الف) ارزیابی عملکرد خانواده بر روی متغیرهای کلیدی سیستم، همانطور که با ارزش‌ها، ساختار، منابع و چالش‌های هر خانواده مطابقت دارد و سپس (ب) در غلبه بر چالش‌های نامطلوب پیش‌رو، مداخلات برای تقویت عملکرد خانواده را هدف قرار دهد و تحقیق و عمل را هدایت کند. این رویکرد مشارکتی، منابع ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی را تقویت می‌کند که بر پایه اعتقاد عمیق به پتانسیل انسانی برای بهبودی و رشد مثبت ناشی از نامالایمات استوار است (والش، ۲۰۲۱).

تئوری همسرآزاری: در خصوص خشونت خانگی نیز تنوع تئوری‌های همسرآزاری منجر به شکاف بین محققان در این زمینه شده است که ناشی از فضای کلی سیاسی و اجتماعی می‌باشد که این نظریه‌ها تحت آن توسعه یافته‌اند. در نتیجه، برخی از نظریه‌های خشونت‌های خانگی موجود به دلیل توانایی آنها در توضیح یافته‌های متناقض یا ناهمگونی پدیده خشونت خانگی محدود است. برخی از چارچوب‌های نظری همسرآزاری به نظر می‌رسد تعدادی از مزایای بالقوه را نسبت به سایرین فراهم می‌کند. با این حال، نتیجه تجربی آنها هنوز مشخص نشده است. اگرچه گام‌های اولیه برای مفهوم‌سازی و کشف زمینه خشونت خانگی علیه زنان برداشته شده است، به نظر می‌رسد که ما نیاز به پیشرفت کافی در این زمینه داریم تا محققان بتوانند به طور سیستماتیک زمینه و پیچیدگی خشونت خانگی علیه زنان را در تئوری و عمل بررسی کنند (برلوموا، گالینا و خماندوریسکایا^۱، ۲۰۱۸).

رویکرد سیستمی ویلیامسون: خانواده‌ها سیستم‌هایی هستند که اعضای آن‌ها به صورت پویا و به هم متصل هستند: کاری که هر یک از افراد خانواده انجام می‌دهند، روی بقیه افراد تأثیر می‌گذارد (آنکونا و پرکینس، ۲۰۲۲). اگر والدین فردی، زندگی بی‌معنی و بی‌هدفی داشته باشند، فرزندان می‌توانند از همان زندگی بی‌معنی و بی‌هدف پیروی کنند و در این صورت وفاداری به خانواده اصلی را حفظ می‌کنند (بوسزورمنی والریچ^۲، ۱۹۸۱). در این راستا ساختار اقتدارشخصی در سیستم خانواده توسط ویلیامسون (۱۹۹۱) به عنوان توانایی کنترل احساسات، افکار، تصمیمات و اعمال خود مطرح شد که به ویژگی‌های یک خود مستقل اشاره دارد. از آنجاییکه الگوهای خانواده تمایل دارند از نسلی به نسل دیگر بازتولید شوند سوال اصلی نظریه اقتدارشخصی ویلیامسون (۱۹۹۱) در سیستم خانواده این بود که: چگونه فرد می‌تواند از نظر عاطفی خانه از خانواده مجزا شود و رفتارها را به خانواده بعد خود منتقل نکند در حالی

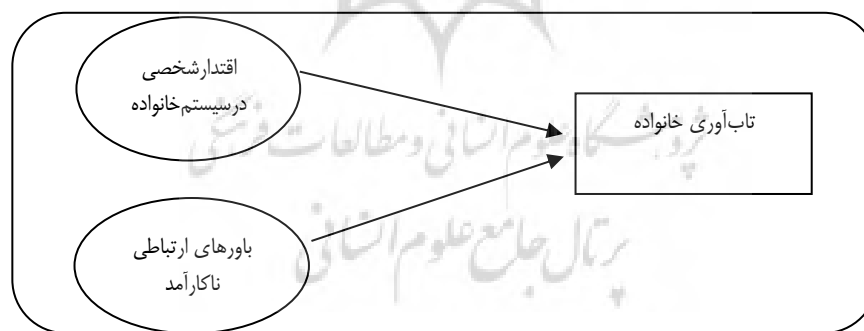
1 Burelomova A.S., Gulina M.A., Tikhomandritskaya

2 Boszormenyi & Ulrich

که هنوز به نحوی صمیمانه با خانواده مبدا خود در ارتباط است؟ لذا این نظریه به ساختار سیستمی خانواده و روابط اعضاء در آن پرداخته و اقتدارشخصی در این سیستم تبیین می‌شود. این مولفه ترکیبی از تمایز خود و مفاهیم صمیمیت بین نسلی است (ویلیامسون، ۱۹۹۱).

نظریه باورهای ارتباطی ادیلسون و اپستین: یکی دیگر از اساسی ترین عواملی که بر تاب‌آوری افراد موثر است، تفکرات غیرمنطقی^۱ است. افکار غیر منطقی با واقعیت همگونی نداشته و بر اساس ظن و گمان هستند. فرد واجد تفکر غیرمنطقی، حکم‌های از پیش تعیین شده داشته و به دلیل اینکه فکر غیر منطقی با واقعیت در ارتباط نیست، موجب تعارض شده و مانع برخورد موفقیت‌آمیز فرد با حوادث و الزام‌های زندگی می‌شود (حیدری، مظاهری و پور اعتماد، ۱۳۸۴). با گسترش ارزیابی باورهای ارتباطی ناکارآمد پنج باور ناکارآمدی که در ارتباط سهیم هستند را مشخص کردند. این باورها عبارتند از: تخریب‌کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی و باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی. به نظر آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) چسبیدن به این باورها، احتمالاً به روش‌های حل مسئله نادرست یا جبری هدایت می‌شود. به عنوان نمونه باور به تفاوت‌های جنسیتی باورهای قالبی هستند که بدون اساس عملی بوده و مردم پیشاپیش، ویژگی‌های خاصی را به دو جنس نسبت می‌دهند. این عقاید غیرمنطقی میراث اجتماعی هستند که از طریق تجارب شخصی، خانواده و فرهنگ جامعه به وجود می‌آیند (حسنی، ۱۳۹۷). لذا در می‌یابیم آگاهی زوجین از باورهایشان که در قالب فرهنگ و اجتماع و خانواده شکل گرفته می‌تواند از ایجاد تنشهایی که منجر به بروز اختلافات خانوادگی می‌شود؛ جلوگیری کند (دربانی، فرخزاد و لطفی‌کاشانی، ۲۰۱۹).

بر اساس ادبیات و پیشینه مطالعاتی صورت گرفته وبا بهره از چارچوبهای نظری سیستمی ویلیامسون (۱۹۹۱) و نظریه سیستمی تاب‌آوری خانواده والش (۲۰۰۳) و باورهای ارتباطی ادیلسون و اپستین (۱۹۸۲) مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل (۲) طراحی گردید و با دیدگاه ترکیبی از عوامل مختلف موجود در این نظریه ها، پژوهش انجام شد.



شکل (۲): مدل مفهومی پژوهش

۴. روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، مبتنی بر روش همبستگی با تکیه بر الگویابی معادلات ساختاری^۲ است. جامعه آماری این پژوهش، شامل زنان قربانی همسرآزاری مراجعه کننده به دواير مددکاری اجتماعی کلانتریهای شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که نسبت به تشکیل پرونده

1 thoughts irrational

2 structural equation modeling (SEM)

شکایت همسرآزاری، اقدام کرده بودند. پرسشنامه‌ها به طور مساوی بین کلیه کلانتریها توزیع و نمونه‌گیری هدفمند بود. حجم نمونه برابر فرمول: $(15Q < n < 5Q)$ تعیین شد، لازم به ذکر است کف نمونه نباید از ۲۰۰ نفر کمتر باشد (هومن، ۱۳۹۳). به این ترتیب با عنایت به تعداد ۱۳ مولفه در این پژوهش و با احتساب ریزش و افت آزمودنی‌ها، تعداد ۲۵۰ نمونه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفت.

مقیاس تاب‌آوری خانواده^۱ سیکسبی^۲: این مقیاس به منظور سنجش تاب‌آوری خانواده بر اساس نظریه سیستمی تاب‌آوری خانواده^۳ والش توسط سیکسبی در سال ۲۰۰۵ ساخته شده است (سیکسبی، ۲۰۰۵). این ابزار ۶۶ گزاره دارد و یک مقیاس چهاردرجه ای لیکرتی محسوب می‌شود که درجه‌های یک (کاملاً مخالف) تا چهار (کاملاً موافق) را در برگرفته و به بررسی، میزان تاب‌آوری خانواده در ۳ حوزه (ارتباط و حل مسئله، منابع مذهبی/ اجتماعی و پذیرش مشکل) می‌پردازد. نمرات این مقیاس در طیفی بین ۶۶ تا ۲۰۴ قرار می‌گیرند. نمرات بالا نشان‌دهنده سطح بالایی از تاب‌آوری در خانواده است. سیکسبی و بوچانان^۳ پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش کرده و روایی آن را با استفاده از روایی سازه، روایی ملاکی پیش‌بین و همزمان بررسی نموده‌اند (بوچانان، ۲۰۰۸). حسینی و حسین‌چاری در سال ۱۳۹۱ این مقیاس را در ایران ترجمه و هنجاریابی کرده و ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۳ و ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاسها را از ۰/۷۶ تا ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه اقتدارشخصی درسیستم خانواده فرم A^۴: این آزمون توسط بری، ویلیامسون، مالون^۵ در سال ۱۹۸۴ و بر اساس نظریه جنبه‌های فعلی بین‌نسلی خانواده طراحی شد. این آزمون فرم‌های مختلفی دارد. فرم A مورد استفاده در این پژوهش با مقیاس لیکرت شامل ۵ بخشی پاسخ داده می‌شود. مجموع نمرات حساب ونمره بالانسان‌دهنده اقتدارشخصی بالاتر می‌باشد. پایایی آزمون توسط بری و همکاران به روش آلفای کرونباخ برای بزرگسالان غیربالینی (۹۰ نفر) بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۵ در بار اول و از ۰/۸۰ تا ۰/۹۵ در بار دوم با میانگین‌های ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بود. آلفای کرونباخ برای مقیاس‌هایی از نمونه غیربالینی دیگر (۴۰۰ نفر) بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۶ بود. برابر نظر متخصصین امر پس از بررسی محتوایی و مبانی نظری و پیشینه و هدف پژوهش، زیرمقیاس‌های (مثلث‌سازی بین‌نسلی، صمیمت همسر، همجوشی/ فردیت همسر، تهدید بین‌نسلی و اقتدار شخصی) که جمعاً ۹۰ سوال می‌باشد مدنظر قرار گرفت. اعتبار محتوایی پرسشنامه با نظر کارشناسان و متخصصان مورد تایید قرار گرفته و اعتبار روایی این ابزار از طریق تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته و از برازش مناسب برخوردار بود. روایی و پایایی این آزمون در ایران توسط ادیب‌کیا، امامی پور، کشاورزی و محمدخانی در سال ۱۴۰۱ بررسی و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ برآورد گردیده است.

پرسشنامه باورهای ارتباطی^۶: این پرسشنامه به منظور اندازه‌گیری باورهای ناکارآمد در زندگی زن‌شویی توسط ایدلسن و اپستین^۷ در سال ۱۹۸۱ ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال است که هر سوال در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. برای نمره‌گذاری همه نمره‌ها باهم جمع می‌شود و نمره بدست آمده، نمره باورهای ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد. این پرسشنامه دارای پنج خرده آزمون است که عبارتند از: باور به تخریب‌کنندگی مخالف، باور به تغییرناپذیری همسر، ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت‌های جنسی می‌شود. پایایی این آزمون با آلفای کرونباخ

1 Family resilience Questionnaire

2 Sixbey

3 Buchanann

4 Personal Authority in the Family System Questionnaire (PAFS-QA)

5 Bray, Williamson, Malone

6 Relationship Beliefs Inventory (RBI)

7 Eidelson & Epstein

برای خرده مقیاسها از دامنه ۷۲ تا ۸۱ درصد است و هر ۵ خرده مقیاس رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند. این پرسشنامه در پژوهش حیدری و همکاران در سال ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گرفت. آنها همسانی درونی را برای خرده مقیاسها از ۰/۴۷ تا ۰/۷۰ به دست آوردند. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در ایران ۰/۷۲ - ۰/۸۱ برآورد گردیده است.

۵. یافته های پژوهش

سوال اول: آیا تاب آوری خانواده، متاثر از مولفه های اقتدار شخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد در زنان قربانی همسرآزاری است؟

در راستای یافتن پاسخ سوال اول، در ابتدا به بررسی متغیرهای جمعیت شناختی جامعه موجود پرداخته و پس از ارزیابی متغیرها در سطح توصیفی، نرمال بودن داده ها مورد بررسی قرار گرفت. سپس روابط بین متغیرها با تاب آوری خانواده در سطح استنباطی مورد ارزیابی قرار گرفت. در سطح توصیفی به منظور سنجش متغیرهای پژوهش، میانگین و انحراف معیار به کار رفت. در ارزیابی مفروضه های تحقیق، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات استفاده شد. در پژوهش حاضر ۲۵۰ زن حضور داشتند که میانگین و انحراف استاندارد سن آنان به ترتیب برابر با ۳۵/۹۹ و ۷/۳۷ سال بود و بیشترین شرکت کنندگان در متوسط سنی ۳۶ تا ۴۰ سال قرار داشتند. میزان تحصیلات ۲۹ نفر (۱۱/۶ درصد) از شرکت کنندگان زیر دیپلم، ۸۰ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۳۰ نفر (۱۲ درصد) فوق دیپلم، ۶۵ نفر (۲۶ درصد) لیسانس و ۴۶ نفر (۱۸ درصد) فوق لیسانس یا بالاتر بود. ۹۸ درصد شرکت کنندگان ازدواج اولی بودند و سابقه جدایی نداشتند. ۷۱/۲ درصد از زنان مذکور دارای فرزند بودند. در این پژوهش تعداد زنان خانه دار ۵۶/۸ درصد و ۴۳/۲ درصد شاغل بودند.

جدول (۱). آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
تاب آوری خانواده	۲۱	۱۹۵	۱۱۵/۵۸	۱۱/۵۵	-۰/۸۲۵	۰/۳۳۴
اقتدار شخصی در سیستم خانواده	۸۰	۲۹۳	۱۵۹/۴۳۰	۱۳/۳۴	۰/۲۵۴	۰/۳۶۲
باورهای ارتباطی ناکارآمد	۴۰	۱۹۰	۹۷/۱۰	۸/۳۷	-۰/۸۷۹	-۱/۰۲۱

جدول (۱)، کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. در بررسی همخطی داده ها با متغیر تحمل و تورم واریانس در سطح بهنجار می باشد و نشان از عدم همخطی متغیرهای برونزا و درونزا است. با توجه به بررسی و تصحیحات انجام شده در خصوص نرمالی داده ها با آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف، جعبه ای و ماهالانویس از آنجایی که سطوح معناداری آماره های نرمال بودن کولموگروف اسمیرنوف بزرگتر از ۰/۰۵ هستند ($P > ۰/۰۵$)، می توان نتیجه گرفت داده ها به طور قطع نرمال می باشد و می توان تحلیل استنباطی داده ها را انجام رساند.

در سطح استنباطی به منظور بررسی روابط بین متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معالات ساختاری به کار رفت. در این پژوهش، برای برازش مدل پیشنهادی از شاخصهای برازندگی شامل مجذور کای^۱ با احتمال بزرگتر از ۰/۰۵، ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب^۲ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۰۸، شاخص نکویی برازش تعدیل شده^۱ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۰، شاخص

1 . Chi Square

2 . Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

نیکویی برازش^۲ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۰ و شاخص نکویی تطبیقی^۳ با نقطه برش کوچکتر از ۰/۹۰ با در نظر گرفتن مقادیر برازش مذکور استفاده شد. برای بررسی اثرات مستقیم متغیرها از روش حداکثر درست‌نمایی و جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS ۱۸ و AMOS ۲۳ استفاده شد. مقدار آلفا در تمامی آزمون‌ها برابر با ۰/۵ در نظر گرفته شد.

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
تاب‌آوری خانواده	۱		
اقتدار شخصی در سیستم خانواده	.۲۸**	1	
باورهای ارتباطی ناکارآمد	-.۳۰**	-.۲۸**	1

برابرنسایتج مندرج در جدول (2)، بین اقتدارشخصی در سیستم خانواده ($r=0.28$ و $p<0.01$) با تاب‌آوری خانواده رابطه مثبت ومعناداری وجود دارد. بین باورهای ارتباطی ناکارآمد ($r=-0.30$ و $p<0.01$) با تاب‌آوری خانواده رابطه منفی ومعنی‌داری وجود دارد. لذا با توجه به همبستگی معنی دار بین متغیرهای اقتدار شخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد، با تاب‌آوری خانواده امکان بررسی مدل پژوهش فراهم گردید که نتایج ضرایب مستقیم و برازش مدل در ادامه آمده است.

جدول (۳): برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)^۴ به همراه مقادیر بحرانی

متغیر	b	β	R ²	مقدار t	معنی‌داری
اقتدار شخصی در سیستم خانواده بر تاب‌آوری خانواده	۰/۳۵۷	۰/۲۷۶	۰/۰۹۸	۳/۹۷۸	۰/۰۰۱
باورهای ارتباطی ناکارآمد بر تاب‌آوری خانواده	-۰/۴۰۹	-۰/۲۵۵	۰/۱۰۴	۳/۷۱۱	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود ضریب مسیر مستقیم اقتدارشخصی در سیستم خانواده ($\beta = 0.276$ و $\text{sig} = 0.001$) بر تاب‌آوری خانواده مثبت ومعنادار و ضریب مسیر باورهای ارتباطی ناکارآمد ($\beta = -0.255$ و $\text{sig} = 0.000$)، بر تاب‌آوری خانواده منفی ومعنادار بودند.

سوال دوم: آیا مدل از برازش مناسبی برخوردار می‌باشد؟

پس از بررسی ضرایب مسیرهای مستقیم و اثبات معناداری روابط متغیرها، برازش مدل از طریق شاخص‌های برازندگی مورد بررسی قرار گرفته و مدل نهایی تایید شد.

1 . Adjusted Goodness Of Fit Index (AGFI)

2 . Goodness Of Fit Index (GFI)

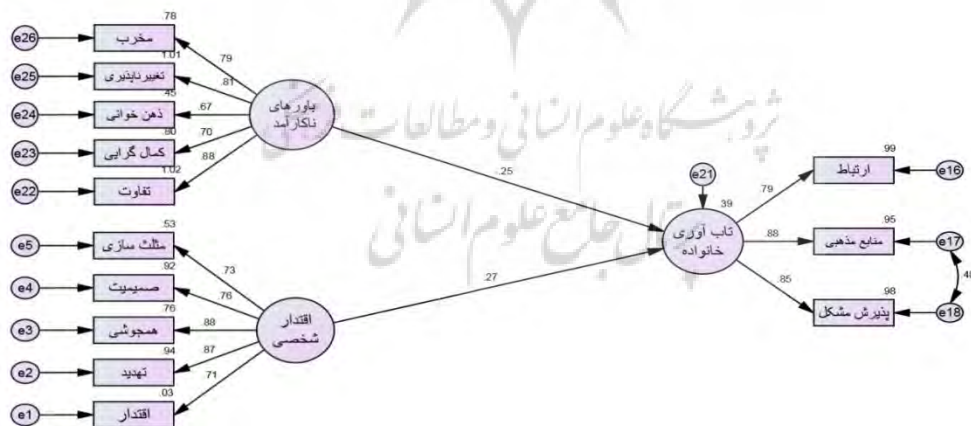
3 . Comparative Fit Index (CFI)

4 .maximum likelihood

جدول (۴): شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل مدل

شاخص	شاخص‌های نیکویی برازش	مقادیر مطلوب	مقادیر به دست آمده قبل از اصلاح	نتیجه گیری
مطلق	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (ϕ^2)	Nil	۶۳۴/۵۵۰	-
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	≥ 90	۰/۹۹۹	برازش قابل قبول
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	≥ 90	۰/۹۹۵	برازش قابل قبول
تطبیقی	شاخص استاندارد شده برازش (NFI)	≥ 90	۰/۹۹۷	برازش قابل قبول
	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	≥ 90	۰/۹۹۰	برازش قابل قبول
	شاخص برازش تطبیقی (TLI)	≥ 90	۰/۹۹۳	برازش قابل قبول
	شاخص برازش نسبی (RFI)	≥ 90	۰/۹۹۷	برازش قابل قبول
مقتصد	شاخص برازش هنجار شده (PNFI)	≥ 50	۰/۵۱۱	برازش قابل قبول
	ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA)	≤ 0.08	۰/۰۴۲	برازش قابل قبول
	نسبت مجذور کای به درجات آزادی (ϕ^2/df)	≤ 3	۲/۵۹۰	برازش قابل قبول
	درجه آزادی (df)	≥ 0	۲۴۵	
	ارزش (p)	≤ 0.05	۰/۰۰۰	برازش قابل قبول

در جدول (۴) نیز شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش آمده است. جهت آزمون مدل مورد نظر در پژوهش حاضر، روش الگویابی معادلات ساختاری ((SEM اعمال گردیده است.



شکل (۳): مدل برازش، تایید شده و نهایی پژوهش

آماره های بدست آمده از سه شاخص تطبیقی، مطلق و مقتصد نشان دادند که مدل اولیه در شاخص مقصد دارای برازش غیر قابل قبول است. در شاخص برازش هنجار شده (PNFI) با مقدار ۰/۴۹۷ کمتر از حد مطلوب ۰/۵ بود و شاخص مقصد دارای برازش های غیر قابل قبول بود که در مسیر خطاها و واریانس های بدست آمده اصلاحاتی به روش آزاد سازی پارامترها بر روی مدل اندازه گیری

انجام گرفته و در نهایت با تایید شاخص‌های برازش مدل برابر شکل (۳) تایید شد.

۶. بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به این سوال اصلی که آیا تاب‌آوری خانواده متأثر از اقتدار شخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد در زنان قربانی همسرآزاری بوده و مدل از برازش مناسبی برخوردار است پاسخ داده شد. بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش که بر روی زنان خشونت دیده انجام گرفت معلوم گردید که مدلیابی تاب‌آوری خانواده براساس اقتدار شخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد در زنان قربانی همسرآزاری دارای برازش خوبی است. ضریب اثر مسیر مستقیم اقتدارشخصی در سیستم خانواده بر تاب‌آوری خانواده مثبت و معنادار و ضریب اثر مسیر مستقیم باورهای ارتباطی ناکارآمد بر تاب‌آوری خانواده منفی و معنادار بود؛ دربررسی تحقیقات پیشین، پژوهشی وجود نداشت که به‌طور مستقیم به بررسی روابط اقتدارشخصی در سیستم خانواده و باورهای ارتباطی ناکارآمد بر تاب‌آوری خانواده در زنان قربانی همسرآزاری پرداخته باشد؛ بنابراین نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهشهای مرتبط با این پژوهش مقایسه می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات زارعان، فرحبخش و معتمدی (۱۴۰۰)، اسلامی (۱۳۹۹)، مولایی، لطفی و صدری دمیچی (۱۳۹۸)، موزیری، شفیعی‌آبادی، اسمعیلی و یونسی (۲۰۲۱)، نیستور و همکاران (۲۰۱۷)، مصطفی آلپرن و همکاران (۲۰۱۶)، دیستالیروتایلر (۲۰۱۵)، گاویدیا پاین، دنی، دیویس، فرانسیس و جکسون^۱ (۲۰۱۵) و کر و بوئن (۱۹۸۸) همسو است. در مواقع بحران نظام خانواده به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرد و ارتباط در خانواده می‌تواند نقش عامل حمایتی در حفظ نظام خانواده را بازی کند. نظام‌های باور خانواده با به اشتراک گذاشتن باورهایی که به اعضاء برای معنادگی به موقعیت‌های بحران کمک می‌کند تسهیل یک چشم انداز امیدوارکننده و مثبت را پرورش می‌دهد. برای بدست آوردن احساس انسجام، خانواده‌ها می‌توانند با بازتعریف بحران به عنوان یک چالش مشترک که قابلیت درک و مدیریت را دارد و معنادار نیز هست یاری شوند. باورهای ارتباطی همواره نقش موثری در کیفیت ارتباط و سازگاری و کارکرد خانواده داشته‌است. دراین پژوهش ضریب مسیر باورهای ارتباطی ناکارآمد از قدرت قابل توجهی برخوردار می‌باشد که این نشان از اهمیت باورهای ارتباطی در خانواده برای قوام و دوام آن بالاخص در رویارویی با مشکلات و بحران‌هایی مانند موقعیت همسرآزاری دارد. وقتی فردی تابع و دست خوش افکار ناکارآمد و باورهای غیرمنطقی باشد با پیامدهای منفی نیز مواجه خواهد شد. رفتار ناکارآمد فرد به عنوان یک برانگیزاننده باور نامعقول همسر در خانه، عمل می‌کند که منجر به ایجاد اختلال در احساسات و رفتار او می‌شود و این خود نیز به عنوان محرکی مضاعف برای تخریب احساسات همسرش بکار گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان این گونه تبیین کرد که جای گرفتن باورهای مخرب ارتباطی در سیستم شناختی افراد موجب تداوم رفتار خشونت علیه همسر شده و کیفیت ارتباط و همچنین تاب‌آوری زندگی خانوادگی را تحت تاثیر قرار دهد. از آنجایی که فرزندان از والدین تاثیر مستقیم می‌پذیرند هر جوی چه مثبت و چه منفی بر خانواده حاکم باشد بر کل خانواده تاثیر می‌گذارد. لذا منطقی است که با شناسایی باورهای ارتباطی ناکارآمد در زنان قربانی همسرآزاری می‌توان میزان تاب‌آوری خانواده را هم پیش بینی کرده و با بکارگیری اقدامات به موقع در جهت بهبود باورهای ارتباطی غیرمنطقی از تداوم همسرآزاری کاسته و میزان تاب‌آوری خانواده را افزایش داد.

موضوع مهم دیگر اقتدار شخصی در سیستم خانواده است که ساختاری بین‌نسلی است و رشد شخصی و تعامل خانوادگی را بهم پیوند می‌دهد. افرادی که در روابط خود با دیگران، از جمله والدین خود، اقتدارشخصی پیدا کرده‌اند، با آنها به عنوان همسالان ارتباط

برقرار می‌کنند و توانایی صحبت آزادانه درباره افکار و عقاید خود را دارا هستند. با توجه به تحقیقات مختلف در مورد روابط بین نسلی خانواده، الگوهای خانواده تمایل دارند از نسلی به نسل دیگر بازتولید شوند. بنابراین، سطح اقتدار شخصی، در روابط با افراد مهم بازتولید می‌شوند. برابر نظریه سیستمی، افراد اغلب ویژگی‌های خود از جمله تاب‌آوری و تمایز یافتگی را از خانواده خود فرا می‌گیرند و این ویژگی را به نسل بعد انتقال می‌دهند، پس عملکرد خانواده تحت تأثیر این ساز و کارها قرار می‌گیرد و از آنجا که رابطه بین اعضای یک خانواده به طور مستقیمی با کارکرد هر یک از اعضای ارتباط دارد، توانایی هر یک از اعضای برای کارکرد فردی ارتباط مستقیمی با کارکرد کل خانواده دارد و این موضوع بیانگر تأثیر عملکرد و میزان توانمندی و اقتدار شخصی زنان به عنوان مدیر خانواده بر کارکرد کل خانواده است. افراد دارای اقتدار شخصی توانایی هدایت افکار و نظرات خود؛ انتخاب بیان یا عدم بیان افکار و عقاید خود بدون توجه به فشارهای اجتماعی؛ پذیرش و احترام به قضاوت شخصی خود، برعهده گرفتن مسئولیت مجموع تجربیات خود در زندگی و مدیریت احساسات خود را داشته و معمولاً جنبه‌های مثبت زندگی را پررنگتر می‌بینند، روابط بین فردی قویتر و روحیه و توانایی بیشتری در برخورد با دشواریها دارند، لذا احساس امنیت و اعتماد به نفسی که زنان در سایه اقتدار شخصی به دست می‌آورند به کل خانواده انتقال می‌دهند و به خانواده توانایی کنترل بر حوادث را داده و قدرت تاب‌آوری آنها را بالا می‌برند. کسب این ویژگی‌های مثبت و انتقال آن به کل خانواده به خوبی بیانگر رابطه مثبت مولفه‌های اقتدار شخصی با تاب‌آوری خانواده است. از سویی از آنجاییکه خشونت علیه زنان از مشارکت کامل و برابر زنان و دختران در جامعه جلوگیری می‌کند در مجموع با کاهش همسرآزاری و تداوم خانواده‌ها می‌توان توانمندی جامعه را نیز افزایش داد.

این پژوهش گام مهمی در جهت شناخت عوامل موثر بر تاب‌آوری خانواده در زنان قربانی همسرآزاری برداشته است. نتایج، حاکی از اهمیت برنامه‌ریزی جهت ارتقای تاب‌آوری خانواده توسط سازمانهای اجرایی دولت و متولیان امر در حوزه خانواده از طریق کاهش باورهای ارتباطی ناکارآمد و نیز افزایش اقتدار شخصی، در زمان مواجهه با چالش و بحران دارد. سازمانهای خانواده‌محور و کارشناسان علوم اجتماعی می‌توانند با استفاده از نتایج این پژوهش با تدوین برنامه‌ها و کارگاههای آموزشی بر اساس عوامل شناسایی شده و سهم نقش آنها در کاهش میزان خشونت خانگی، از ایجاد و افزایش خشونت در خانواده و انتقال آن به جامعه و نسل‌های بعد پیشگیری نمایند.

۷. منابع

- ادیب‌کیا، آلاله. امامی‌پور، سوسن. کشاورزی‌ارشدی، فرناز. محمدخانی، پروانه (۱۴۰۱). رابطه بین باورهای غیرمنطقی و رضایت زناشویی براساس- نقش میانجی رفتار حل تعارض و استرس زناشویی. *مجله روانشناسی بالینی*. ۷-۱.
- اسلامی، نیلوفر (۱۳۹۹). بررسی رابطه ذهن آگاهی و باورهای غیرمنطقی با تاب‌آوری در دانشجویان، هشتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، *مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران، <https://civilica.com/doc/1032690>
- اصغری، فرهاد. صیادی، علی. قاسمی جوبنه، رضا (۱۳۹۹). نقش تاب‌آوری روان‌شناختی در ارتباط بین تاب‌آوری خانواده و نگرش به مواد مخدر در دختران و پسران جوان: تحلیل اثر میانجی تعدیل شده. *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده* ۸ (۲). ۴۰۶ - ۴۲۳.
- بنانی، ملیحه (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل فرهنگی زنان قربانی همسر آزاری با رویکرد سلامت روان کلانشهر تهران. *کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب شناسی روانی و تربیت*. <https://sid.ir/paper/891671/fa>
- بشرپور، سجاد. عطادخت، اکبر. غفاری، مظفر. مولایی، مهری (۱۳۹۵). بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد با اضطراب اجتماعی در نوجوانان دانش آموز: نقش میانجی گر تنظیم هیجان. *نشریه روان پرستاری*. ۴ (۴). ۳۹ - ۳۳.

- بهرامی، میترا. علیپور، فردین (۱۳۹۸). ساخت ورواسازی فرم کوتاه پرسشنامه تجربه همسرآزاری. رفاه اجتماعی. ۱۹ (۷۲)، ص ۱۳۱-۱۴۵.
- جعفرزاده، تکتیم. سلیمانیان، علی اکبر. محمدی پور، محمد (۱۳۹۹). پیش بینی خشونت خانگی بر اساس عملکرد خانواده و سطح تمایزیافتگی خود با نقش واسطه‌های ناگویی هیجانی در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بجنورد. فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی. ۱۶ (۵۶). ۶۱-۷۸.
- حسینی، فریده سادات. حسنی چاری، مسعود (۱۳۹۲). بررسی شواهد مرتبط با روایی و پایایی مقیاس تاب‌آوری خانواده. مشاوره و روان درمانی خانواده. ۳ (۲).
- حسینی بیرجندی، مهدی (۱۳۹۴). روان درمانی خانواده و مشاوره خانواده. تهران: رشد.
- حسینی قاسم (۱۳۹۷). بررسی نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه فرهنگ مازندران. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی؛ ۷ (۲): ۶۷-۹۰.
- حیدری، محمود. مظاهری، محمدعلی. پوراعتماد، حمیدرضا (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. خانواده پژوهی. ۱۲۲-۱۳۰.
- دانش، پروانه. شربتیان، محمدحسن. طوافی، پویا (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۸۱-۴۵ سال شهرمیانه). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۶ (۱۶). ۴۷-۷۲.
- دربانی، سید علی. فرخ زاد، پگاه. لطفی کاشانی، فرح (۲۰۱۹). اثربخشی تحلیل رفتار متقابل در مقایسه با خانواده درمانی راهبردی کوتاه مدت بر تعارضهای کلامی، غفلت و سوء رفتار زوجها. فصلنامه علمی روانشناسی کاربردی، ۳ (۵۱)، ۳۷۰-۳۴۷.
- رئیزی، سمیه. بوستانی، داریوش (۱۴۰۰). مطالعه کیفی خشونت علیه زنان بلوچ. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان). ۲ (۱۲). ۴۶-۶۵.
- زارع، حسین. و شریفی ساکی، شیدا (۱۳۹۵). اثر بخشی برنامه مداخله ای فراشناختی ولز بر کاهش افکار ناکارآمد در معتادین با سو مصرف مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سو مصرف مواد، ۱۰ (۳۷). ۳۷-۱۰.
- زارعان، قدرت اله. سلیمی بجستانی، حسین. فرحبخش، کیومرث. و معتمدی، عبدالله (۱۴۰۰). الگوی تاب‌آوری خانواده مبتنی بر تجربیات زیسته. نشریه علمی فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده. ۱۶ (۵۵). ۷-۳۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). مقدمه ای بر جامعه شناسی در خانواده، تهران، سروش.
- شفیع آبادی، عبدالله. ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۷). نظریه های مشاوره و روان درمانی تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قهاری، شهربانو. خادم الرضا، نوشین (۱۳۹۷). همسرآزاری در ایران: امروز کجا هستیم؟ روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران دوره ۴ (۲۴). ۴۵۸-۴۶۲.
- کریمی نژاد، هاجر. صادقی، مسعود. غلامرضایی، سیمین (۱۳۹۶). مدلسازی کیفی تاب‌آوری خانواده براساس رویکرد زمینه ای- پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۲۷. 101-122.
- نوابی نژاد، ش (۱۳۹۴). نشست تخصصی خشونت خانگی در پژوهشگاه علوم انسانی، خبرگزاری دانشجویان ایران.
- موسوی، مهری سادات. ملکی، سمیه و طاهریان، سعید (۱۳۹۸). تاملی مفهومی بر مسئله اجتماعی، دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی، اردبیل، <https://civilica.com/doc/1035600>
- مولایی، بهنام. لطفی، فاطمه. صدی دمیرچی، اسماعیل. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی مهارت مثبت اندی شی، افکار ناکارآمد و تاب‌آوری در افراد افسرده و سالم. دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، اردبیل، <https://civilica.com/doc/1035570>
- مویزی، عباس. شفیع آبادی، عبدالله. اسمعیلی، معصومه. یونسی، جلیل (۲۰۲۱). مدلیابی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده ایرانی. مجله علوم روانشناختی. دوره نوزدهم. شماره ۱۴. ۱۰۱۴-۱۰۴۱.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۳). استنباط آماری در پژوهش رفتاری. چاپ یازدهم. تهران: سمت.

- Ancona, Deborah. Perkins , Dennis. (2022). Family Ghosts in the Executive Suite. *Harvard Business Review*.
- Bermudez, m; & Mancini, A. (2012). Familias Fuertes: family resilience, *Handbook of family resilience*, PP.215-277.
- Bertoni, A., & Bodenmann, G. (2015). Satisfied and Dissatisfied Couples. *European Psychologist*.
- Berger R, Weiss T. (2009). The Posttraumatic Growthmodel: An expansion to the family system. *Traumatology*.15 (1).63-74.
- Bray, J.H., Williamson, D.S., & Malone, P.E. (1984). Personal authority in the family system: Development of a questionnaire to measure personal authority in intergenerational family processes. *Journal of Marital and Family Therapy*, April, 1984, 167- 178.
- Brown, Laura; Lowe, Hattie; Gibbs, Andrew; Smith, Colette & Mannell, Jenevieve. (2023). High-Risk Contexts for Violence Against Women: Using Latent Class Analysis to Understand Structural and Contextual Drivers of Intimate Partner Violence at the National Level. *Journal of Interpersonal Violence*. 38 (1-2) 1007–1039.
- Buchanan, T. (2008). Family resilience as a predictor of better adjustment among International adoptees. Unpublished Doctoral philosophy, The University of Texas Arlington.
- Burelomova .A.S., Gulina M.A., Tikhomandritskaya O.A. (2018). Intimate Partner Violence: An Overview of the Existing Theories, Conceptual Frameworks, and Definitions. *Psychology in Russia: State of the Art*, 11 (3), 128-144.
- Boszormenyi-Nagy, I. and Ulrich, D. N. (1981) Contextual family therapy. In A. S. Gurman & D. P. Kniskern (eds.), *Handbook of family therapy*. New York: Brunner/Mazel.
- Claussen, C., Wells, L., Aspenlieder, L., & Boutilier, S. (2017). Developing domestic violence primary prevention capacity through a community of practice project: Learnings from Alberta, Canada. *Cogent Medicine*, 4 (1), 1-15.
- Cox, Marilyn. Cramm, Heidi. Richmond , Rachel .Norris, Deborah. (2022). Public Safety Personnel Family Resilience: A Narrative Review. *International Journal of Environmental Research and Public Health* 19 (9):5224. DOI:10.3390/ijerph19095224.
- Denise A. Hines, Kimberly J. Saudino. (2002) . Intergenerational Transmission of Intimate Partner Violence: A Behavioral Genetic Perspective. *Research Article* .3 (3):210-225.
- Distelberg, B; & Taylor, Sh. (2015). The roles of social support and family resilience in accessing healthcare and employment resources among families living in traditional public housing communities. *child & family social work*,20, 494-506#.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. (1982). Cognitive and relationship of adjustment, Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 50. 715 – 720.
- Gavidia-Payne, S; Denny, B; Davis, K; Francis, A; & Jackson, M. (2015). Parental resilience: A neglected construct in resilience research. *Clinical psychologist*, 19, 111-121.
- Goodman, M. A. (2000). How Religious Couples Perceive the Influence of God in their Marriage. *Review of Religious Research*, 48 (2) , 141- 155. <https://www.jstor.org/stable/20058129>
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (201۲). *Family Therapy* (8th ed.). Belmont, CA: Brooks/Cole, Cengage Learning.
- Guzman, J. (2011). Family resilience and Filipino immigrant families: Navigating the adolescence life-stage. Doctoral dissertation, Clinical Psychology Department, The University of Guelph.
- Kerr, M. E., & Bowen, M. (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory*. New York: Norton.
- Kim, Jae Yop; Seun Oh, and Nam , Seok In (2015). Prevalence and Trends in Domestic Violence in South Korea: Findings From National Surveys.
- Michel-Kröhler, Alena & Turner, Martin. (2022). Link Between Irrational Beliefs and Important Markers of Mental Health in a German Sample of Athletes: Differences Between Gender, Sport-Type, and Performance Level. *Original research*.13.1-17.
- Mustafa Alpern, Kursonjo; Hatipoglu Sumer, Zeinab . (2016). Dissertation of risky behaviors in adult employment: personal authority, role of intergenerational and family triangle.1-152 .

- Nistor, M., Papp, G., Martos, T., & Molnár, P. (2017). "Belonging to my family, but still being myself": The relationships between dimensions of attachment theory and personal authority in the family system. *International Journal of Croatian Psychological Association published by Naklada Slap*, Vol. 24, No. 1-2, 29-38.
- Sixbey, M.T. (2005). Development of the family resilience assessment scale to identify family resilience constructs. A dissertation presented to the graduate school of the university of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, university of Florida.
- Van Breda, A. D. P. (2018). A critical review of resilience theory and its relevance for social work. *Social Work/Maatskaplike Werk*, 54 (1), 33-45.
- Walsh, F. (2006). *Strengthening family resiliency*. The Guilford press New York London. 6-11.
- Walsh, F. (2016). Family resilience :A developmental systems framework. *European Journal of Developmental Psychology*, 42 (1), 1–18. <https://doi.org/10.1080/17405629.2016.115403>
- Walsh, F. (2021). Family Resilience: A Dynamic Systemic Framework .C14.P105.255-270. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190095888.003.0015>
- Williamson, D.S. (1991). *The intimacy paradox: Personal authority in the family system*. New York: Guilford Press.
- World Health Organization. (2020). *Addressing Violence against Women in Afghanistan*. apps.who.int/iris/bitstream/handle .apps.who.int/iris/bitstream/handle.

